

تقریر مقررین سامانه فقاہت از درس خارج فقه استاد سید کاظم مصطفوی؛
1399/04/24



موضوع: کتاب الطهارة/أحكام الأموات /مسألة چهارم از مسائل مربوط به أحكام أموات و فصل في آداب المريض وما يستحب عليه

مسألة چهارم از مسائل مربوط به أحكام أموات

مسألة ٤ : لا يجب عليه نصب قيم على أطفاله ، إلا إذا عدّ عدمه تضييعاً لهم أو لمالهم ، وعلى تقدير النصب يجب أن يكون أميناً ، وكذا إذا عين على أداء حقوقه الواجبة شخصاً يجب أن يكون أميناً ، نعم لو أوصى بثلثه في وجوه الخيرات الغير الواجبة لا يبعد عدم وجوب كون الوصي عليها أميناً ، لكنه أيضاً لا يخلو عن إشكال ، خصوصاً إذا كانت راجعة إلى الفقراء.^[1] میفرماید برای کسی که امارات موت ظاهر شده است واجب نیست که قیمی نسبت به اطفال خودش نصب کند. این نصب قیمی=بتدائاً به عنوان اولی لزومی ندارد. واجب نیست. مگر اینکه عدم نصب قیم تضييع و ضایع شدن آنها و باعث ضایع شدن مال آنها بشود که اگر قیم نداشته باشند اطفال بیراهه بروند. ضایع بشووند. آداب و اخلاق و معاشرت انسانی و دینی را به دست نیاورد. در اینصورت باید قیمی نصب کند تا خود آنها را از ضایع شدن و مال آنها را از ضایع شدن جلوگیری کند.

وعلى تقدير النصب يجب أن يكون أميناً. بر فرضی که نصب قیم واجی بشود، واجب است که نصب قیم أمين باشد. خب طبیعتاً کسی را که قیم قرار می دهند به او اطمینان می کند که امور را درست انجام بدهد و اگر أمين نباشد در حقیقت شرط ارتكازی قیومیت را ندارد.

قيوميت بر اين است كه امين باشد و بتواند از عهده آن مسئوليت درست بيرون بيايد. در اين رابطه اين نکته كافيتست كه اشتراط امانت در حقيقت از نوع شرط ارتكازي براي قيم است و إلا قيم معنا نخواهد داشت. وكذا إذا عين على أداء حقوقه الواجبة شخصاً يجب أن يكون أميناً. اگر کسی را تعيين کند برای أداء حقوق واجبة خودش كه نماز و روزه و حج و امثال ذلك را انجام بدهد. اين هم واجب است كه أمين باشد با همان شرحی كه داديم كه قيمی كه حدود شرعی را بايد رعايت كند بايد أمين باشد و أمين بودن شرط ارتكازي براي قيوميت است. نعم لو أوصى بثلاثة في وجوه الخيرات الغير الواجبة لا يبعد عدم وجوب كون الوصي عليها أميناً ، لكنه أيضاً لا يخلو عن إشكال ، خصوصاً إذا كانت راجعة إلى الفقراء. ميفرمايد كه اگر کسی نسبت به ثلث مال خودش وصيت كند در وجوه خيرات منتهی خيرات غير واجب. مثلاً زيارت برود. مثلاً برای مستمندان و نیاز مندان كمك كند. اگر ثلث مال خود را وصيت كند در وجوه خير، ميفرمايد بعيد نيست كه وصی اشتراط به امانت نداشته باشد يعنی شرط أمين در اين صورت دليلی ندارد. چرا؟ چون احكام الزامی نيست بلکه مستحبات است/ كار خير است. آنجا كه ميگفتيم بايد امين باشد چون اطمينان، وثوق پيدا كند به انجام دادن واجبات. اينجا واجباتی نيست. امور خير و مستحبات است. بعيد نيست عدم وجوب بودن وصی بر اين وجوه خير أمين. أمين بودن واجب نيست يعنی بعيد نيست كه بگويم أمين بودن در اين فرض واجب نيست. ، لكنه أيضاً لا يخلو عن إشكال ميفرمايد اين مورد نيز خالی از اشكال نيست. چرا؟ برای اينكه کسی را كه وصی ميگيرد او بايد به طور مطمئن يا در علم، اگر علم نداشت حداقل در حد اطمينان بايد موصی اطمينان داشته باشد كه وصی به اين وصيتها عمل ميكند و اين مقتضای طبيعت كار است يعنی اصل در وصی اين است كه أمين باشد. اين اولاً و ثانياً کسانی كه امين نباشد نهی داريم كه به ادم غير امين اطمینا نشود. ﴿وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ﴾ [2] ظلموا يعنی از حدود شرعی تعدی و تجاوز ميكنند. ﴿.....وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾ [3] به آدم غير أمين اطمینان نكنيد و ركن برای خودتان قرار ندهيد و به او تكيه نكنيد. بنابرین در اين صورت هم بايد امين قرار بدهد. تا بعد ميتوانيم بگويم كه سيرة متشعبة هم استقرار دارد بر اينكه وصی کسی معين ميشود كه موصی نسبت به آن فرد وثوق داشته باشد و آن فرد كه موصی أمين باشد. سيد نکته ای را اضافه ميكند و ميفرمايد خصوصاً إذا كانت راجعة إلى الفقراء. مخصوصاً اگر اين وجوه خير راجع به فقراء باشد كه وصيت كند از اين اموال برای فقراء برسد. در اينصورت حق فقراء در كار است. أداء حق يك امانت است و يك امانت را فرد أمين بايد به عهده بگيرد. مطلب تمام

فصل في آداب المريض وما يستحب عليه

وهي أمور : الأول : الصبر والشكر لله تعالى. الثاني : عدم الشكاية من مرضه إلى غير المؤمن ، وحد الشكاية أن يقول : ابتليت بما لم يبتل به احد ، أو أصابتي ما لم يصب أحداً ، وأما إذا قال : سهرت البارحة ، أو كنت محموماً ، فلا بأس به. الثالث : أن يخفي مرضه إلى ثلاثة أيام. الرابع : أن يجدد التوبة. الخامس : أن يوصي بالخيرات للفقراء من أرحامه وغيرهم. السادس : أن يعلم المؤمنين بمرضه بعد ثلاثة أيام. السابع : الإذن لهم في عيادته.

الثامن : عدم التعجيل في شرب الدواء ومراجعة الطبيب إلا مع اليأس من البرء بدونهما.
التاسع : أن يجتنب ما يحتمل الضرر. العاشر : أن يتصدق هو وأقرباؤه بشيء ، قال رسول الله (صَلَّى الله عليه وآله) : « داووا مرضاكم بالصدقة ».[4]

سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه آداب مریض را بیان می کند می شود فقه تربیتی یا بحثهای اخلاقی. شما که میخواهید فقه را استدلالی بدست بیاورید اولاً دعب فقها این بوده است که در ابتدای کتاب فقهی یک مقدار بحث عقائد را مطرح میکردند. این یک نظام بود برای سبک قدماء. مقنعه. انتصار و امثال ذلک اینگونه بوده است که در ابتدای کتاب مقداری بحث عقائد صورت میگیرد و متاسفانه بحث عقائد در حوزه در مقدار مطلوب وجود ندارد و بحث عقائد تا حدودی خالی است در حوزه علمیه . عقائد بحث اول است. در حد موجبة جزئیه هست ولی کافی نیست. بحث در ضمن این بحث در مواردی که میبیند نکته های اخلاقی بیان میکند. این سبک عروة الوثقی هم آداب مریض بسیاری از مطالب اخلاقی را بیان میکند. آداب مریض را در 15 تا امر بیان میکند. باب الاحتضار در کتاب وسائل ج 2 از باب 1 تا باب 31 در مورد آداب مریض مسائلی دارد که سید هم از آنجا و از آن نصوص استفاده میکند و در عروة نکاتش را بیان کرده است.

آداب مریض

وهي أمور : الأول : الصبر والشكر لله تعالى. در همین بحث شکر و آداب مریض مصدر را مراجعه کنید که میفرماید اگر در حال مرض و بیماری شکر بجا بیاورد أجر عظیمی دارد. و اگر خواستید شکر را به نحو کامل از لحاظ نص و متن فقهی و معرفتی در اختیار داشت باشید مناجات شاکرین امام سجاد علیه السلام.

الثاني : عدم الشكاية من مرضه إلى غير المؤمن ، وحدّ الشكاية أن يقول : ابتليت بما لم يبتل به احد ، أو أصابتي ما لم يصب أحداً ، وأما إذا قال : سهرت البارحة ، أو كنت محموماً ، فلا بأس به. شكایت نکند که شکایت در عین حالی که إساعه أدب است در پیشگاه خدا و نص هم دارد منتهی میشود به ناشکری. وأما إذا قال : سهرت البارحة ، أو كنت محموماً ، فلا بأس به. سهرت البارحة یعنی در این حد بگوید که خواب نرفتم و الان هم تب دارم. در این حد اگر بگوید شکایت به حساب نمیاید. اینها بیان موضوع است. چرا اینجا گفته اند؟ اینها را از روایت برداشته است و اینکه کمک برای مقلدین که اینها بدانند که شکایت در چه حدی است.

الثالث : أن يُخفي مرضه إلى ثلاثة. این هم طبق نص است.

الرابع : أن يجدّد التوبة. توبه را تجدید کند.

الخامس : أن يوصي بالخيرات للفقراء من أرحامه وغيرهم. اول ارحام بعد غیر ارحام

السادس : أن يُعلم المؤمنين بمرضه بعد ثلاثة أيام. بعد از سه روز مستحب است که به مومنین کسالتش را اگر ببیند اعلام بکند.

السابع : الإذن لهم في عيادته. اجازه عیادت بدهد.

الثامن : عدم التعجيل في شرب الدواء ومراجعة الطبيب إلا مع اليأس من البرء بدونهما. این روایت را به نظر مراجع بهداشت تطبیق میکند یا نمی کند کاری نداریم. اما میفرماید که عجله ای در استفاده از دارو نداشته باشد. خیلی زود دست به خوردن دارو و دوا نزنند عجله ای در مراجعه به پزشک نداشته باشد مگر اینکه یدس پیدا کند به خوب شدن بدون مراجعه به پزشک که علی الظاهر یأسی در کار نیست و بدون مراجعه به طبیب هم خداوند شفا میدهد. نشود که تا یک سرماخوردگی ساده فوراً خودشو و خانواده اش را و بچه اش را ببرد به سمت طبیب و بعدش هم گرفتاری دارو و آمپول و غیره. کمی صبر کنید. خیلی کسالت طولانی نیست. از نظر اخلاقی و همینطور این روایتی که اینجا هست نشان میدهد که مرض و بیماری یک مهمان ناخواسته است که آدم نمیخواهد بیاید داخل خانه بیاید. اگر رو دادی بهش جای پایش را محکم می کند و اما اگر بهش رو ندادی عقب نشینی میکند. ما گفتیم اگر کسالت داشتید که روز درسی بود و در داخل خانه استراحت کنید که أطباء میگویند استراحت خوب است اگر در خانه استراحت کنید بیماری بیشتر می شود اما اگر به سمت درس آمدید بیماری از بین میرود. اگر یک گروهی بیایند و تحقیق کنند که میانگین عمر علمایی که مدرس هستند و به درس میایند از میانگین تمام اقشار دیگر به طرز قابل توجهی بیستر است و این یک واقعیتی است. ما با علم مخالف نیستیم ولی واقعیت را قبول داریم. ما ، مافوق العلم را قبول داریم و آن عنایت الهی است. لطف خداست. آن اصلاً ماورای این معادلات. شما می دانید الان کسانی هستند که به کسالت کرونای بی انصاف را در اثر دعا و ذکر به طور ملموس معالجه کردند و کسانی هستند که زیر بار کرونا رفتند ریال رفتند که رفتند. تجربه دیگر، کسانی که استادان در سنین بالا، هیچ تحیق علمی و طبی و بهداشتی اجازه نمی دهد که یک فرد با این سن و سال چندین درس را در یک روز مستمر ادامه بدهد و نمی شود اما واقعیتی هست. استادانالعلامة شیخ صدر قدر و هیکل نسبتاً لاغری داشت و آدم یک مشیت استخوان بود و چیز دیگری نداشت. آنچنان دوتا درس فقه و اصول در حد بالا. متنش کفایه و مکاسب بود ولی در حد خارج انگار یک جوان با تمام انرژی بالا درس میدهد. افراد دیگری هم بودند مانند علامه مدرس افغانی روزی 10 یا 12 درس پشت سر هم میداد. یک مشیت استخوان. ما چیزی بلدیم که فوق معادلات است. اینها علوم پزشکی هم میگوید که در علم پزشکی گفته میشود که قطعاً در قلمرو قوانین علمی پزشکی تبصره هایی وجود دارد و آن تبصره ها یعنی یک پیشامدهای و یک بهبود هایی خلاف مقررات پزشکی است.

التاسع : أن يجتنب ما يحتمل الضرر. هم قاعده فقهی دفع ضرر محتمل است و هم نصوص است.

العاشر : أن يتصدق هو وأقرباؤه بشيء ، قال رسول الله (صَلَّى الله عليه وآله) : « داووا مرضاكم بالصدقة. که همین متن عروۃ هم مدرکی است و در وسائل هم آمده است. باب 22 از ابواب إحتضار.

الحادي عشر : أن يقرّ عند حضور المؤمنين بالتوحيد والنبوة والإمامة والمعاد وسائر العقائد

الحقة. امامت بود و معاد بود، سائر عقائد حقه این است که ما فقط ملتزم هستیم که آنچه که از کتاب و سنت استفاده بشود ان درست است. اعتقاد به توحید و امامت و نبوت.

الثاني عشر : أن ينصب قيماً أميناً على صغاره ، ويجعل عليه نظراً. اینجا استحباب است که نصب کند اما آنجا فرمود واجب نیست.

الثالث عشر : أن يوصي بثلاث ماله إن كان موسراً. مال دنیا را که به دست آورده است اگر میخواهد ذخیره آخرتش بشود باید به ثلث مال خودش وصیت کند در امور خیرات و مبرات.

الرابع عشر : أن يهيئ كفنه ، ومن أهم الأمور إحكام أمر وصيته وتوضيحه وإعلام الوصي والناظر بها. مستحب است که کفنش را آماده کند. وصیت را محکم کاری کند که بعد درباره متن اختلالی پیش نیاید.

الخامس عشر : حسن الظن بالله عند موته ، بل قيل بوجوبه في جميع الأحوال ، ويستفاد من بعض الأخبار وجوبه حال النزع. حسن ظن به خدا. این حسن ظن از کجا میآید؟ حسن ظن به خدا را آدم اگر به اعمال خودش مراجعه کند. در دعای أبوحمز ثمالی دیده اید که اگر من به اعمال خودم نگاه کنم. إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُؤْبِي فَزِعْتُ، وَ إِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ. [5] حسن ظن برگرفته از کرم خدا. آدم در زندگی یک دست مایه، یک وسیله را به هیچ وجه فراموش نکند. و آن کرم خداست. در دعای قنوتتان هم الهی الهی عاملنا بفضلک و لا تعاملنا بعدلک. زاویه کرم چرا؟ چون کرم قابلیت لازم ندارد. کرم بخششی است از سر بزرگواری بدون رعایت قابلیت. کرم کوتا نمی آید و کم نمی آورد. بنابراین از طریق کرم آدم حسن ظن داشته باشد به خداوند متعال. در سجده های مستحبی مخصوصاً و واجب هم مشکلی نداشته باشد عبیدک و کرمک به قصد ن=معنا بسیار مناجات زیبا و دلنشینی است. یک حکایتی است که یک وقتی حضرت موسی علیه و علی نبینا و آل هما صلوات و السلام یک فردی آمد نزد حضرت موس فرمود یا نبی الله بروید از خدای متعال برای من حاجتم را بگیرید و بگویید اگر حاجتم را ندادید کاری میکند که بسیار خطرناک است. حضرت موسی ا«د حاجت را از خدا طلب کرد و حاجت را گرفت جوان و از خدا و از حضرت موسی تشکر کرد. نقل بخ مضمون است که حضرت موسی به جوان فرمود اگر خدا حاجت را نمیداد شما کار خطرناکی میکردید که نمیشد جمعش کرد. چه میکردی؟ گفت اگر خدا حاجتم را نمیداد دست راستم را قطع میدردم و به دست چپ میگرفتم و بیرون میآمدم و فریاد میزدم ای مردم من دستم را در خاه کریم دراز کردم، خالی برگشت الان دیگر قطعش میکنم. دستی که از در خاه کریم خالی برگردد باید قطعش کنیم. این است که انسان اگر کرم خدا را درست مدنظر قرار بگیرد هیچگاه به قول عوام پشتش خالی نیست. دستش خالی نیست. دم مرگ هم نگاهش به کرم خداست. در دعای کمیل هم به این مضمون آمده است. مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ، وَلَا أُخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ، [6] گفته میشود در حکایت اهل معرفت که فردی در حالت امتحان الهی قرار گرفت و پرونده اش را آوردند که اعلام کردند برایش این گناهان را داری. هر قدر گناهش را میگفتند ان فرد بیخیال آرام و ارام بود. تا جایی که گفته شد که وقتی گناهان را اعلام کردند وقتیکه طرف جهنم میبردند یک مرتبه برگشت گفت الهی من از

کَرَمَتِ چنین انتظاری نداشتیم. منتظر کرمِت بودم/ گفته میشود به امید کرم برش گردندند. لذا حسن ظن خدا برگرفته از امید به کرم خدای متعال است. خدایا به کرمک همه ماها را از در خانه ات دست خالی برنگردان. خدایا همه ما محتاج ترینیم. خدایا به آن کرمِت همین الان گناهان ما را ببخش و بیامرز. توفیق عبودیت به همه ما ها عنایت بفرما. حوائج همه را برآورده به خیر بفرما. این مریضی کرونا را از سر اسلام و مسلمین دفع و رفع بفرما. تعجیل در ظهور امام زمان بفرما. سلامتی آقا امام زمان صلوات ختم کنید.

-
- [1] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 280.
- [2] هود/سوره 11، آیه 113.
- [3] طلاق/سوره 65، آیه 1.
- [4] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 280.
- [5] متن دعای ابوحمزة ثمالی.
- [6] متن دعای کمیل.